



گفت و گو با روح... سهرابی، داور سی و نهمین جشنواره بین المللی فیلم کوتاه تهران

یک جشنواره خاص و غافلگیرکننده

ویژه

گفت و گو با کیم سیون هو
بازیگر سریال «شیخ را بگیر»

زندگی با رویاپردازی



۷

گفت و گو با شیرین دعیبس
فیلمساز آمریکایی فلسطینی تبار

خلق حرکتی تاریخی برای جامعه مهاجر



۱۰

۷

۸



گفت و گو: «جام جم»
با کارگردان سریال «آتش سرد»

تصویر کردن زشتی خوردن مال یتیم

رسانه

۶



درباره آداب حضور کودکان و نوجوانان
در فضای مجازی چه می دانید؟

ورود بچه ها به دنیای نه چندان مجازی!

سبک زندگی

۱۲



بررسی آثار و شخصیت طاهره صفرازاده
در سالروز درگذشت استاد

شاعر ستم ستیز

ادبیات

۱۱

یادداشت

بازخوانی «از کرخه تا راین» به بهانه پخش از شبکه نمایش

حسرت آرمانگرایی فراموش شده

۳۰ سال از نمایش عمومی فیلم «تاریگذار و مهم» (از کرخه تا راین) ساخته ابراهیم حاتمی کیا می گذرد. فیلمی که در زمان اکران با حواشی بسیاری روبه رو شد و بارها از شبکه های مختلف سیما پخش شده. نکته این است که با گذشت ۳۰ سال از ساخت آن، آیا این فیلم هنوز اثر مهمی است؟ در پاسخ باید گفت فیلمی که در مسیر زمانی و مداومت در معنا، جلوه و در طرح ایده خلاقانه در زمانه خودش بسیار مطرح بوده تاکنون و متناسب با خردادهای اجتماعی و فرهنگی شامل ارزش افزوده شده است. ابراهیم حاتمی کیا با ساخت از کرخه تا راین، برسرعت رسیدن به قله محبوبیت، مقبولیت و شهرت افزود و در میان مخاطب عام به دلیل شعارهای آرمانگرایانه و جهان بینی خاص، شخصیتی ویژه پیدا کرد و مورد اقبال عمومی قرار گرفت. از دلایل استقبال مردم، انتخاب ملودرامی بود که با ذائقه مخاطب ایرانی نسبت مستقیم و مبتنی بر روان شناختی اجتماعی دارد، منبعی بی پایان که هرچه مصرف شده بر آن افزوده می شود. دیگر نقطه اتکای مهم از کرخه تا راین، نقدی است که در این فیلم از سوی برخی آدم های جبهه نسبت به جنگ دیده شد. اعتراض قهرمان فیلم (سعید) به خدا در کنار رود راین که یکی از ماندگارترین سکانس های فیلم و سینمای دفاع مقدس است. در زمانه خودش شاید برای اولین بار بود که مخاطبان در یک اثر جنگی آن هم متعلق به کارگردانی که از نسل انقلاب و جبهه است از اعتراض به جنگ سخنی می شنود و صحنه های می بیند. ویژگی دیگر از کرخه تا راین که موجب شده اثر مهمی در سینمای ایران به شمار آید، کوچ اجباری قهرمانان فیلم های حاتمی کیا از پشت خاکریز به داخل شهر است. فیلمساز مطرح سینمای دفاع مقدس این بار صریح تر و شفاف تر تلاش می کند تا از مشکلات جوانانی بگوید که بعد از جنگ در جامعه رو به رشد پذیرفته نمی شوند. شاید بتوان حتی سعید را نسخه اولیه از دغدغه های حاتمی کیا دانست که با بوی پیرهن یوسف، آژانس شیشه ای و موج مرده ادامه پیدا کرد. از همین رو از کرخه تا راین را می توان نقطه عطف کارنامه فیلمسازی حاتمی کیا دانست و همچنین آن را در سینمای دفاع مقدس یگانه و صاحب جایگاه قلمداد کرد. از دیگر مواردی که با دیدن مجدد از کرخه تا راین به چشم می آید، جذابیت های کاراکتر اصلی فیلم یعنی سعید با بازی علی دهکردی است. سعید انسانی موجه و شهروندی

نگاهی به تخریب نمادین آثار هنری در اروپا

جنگ مجاز و واقعیت در قاره سبز



موضوعی که این روزها در کشور مطرح است و به عنوان یک جدل به آن نگاه می شود، مسأله فضای مجازی و حقیقی است اما اگر قبول داشته باشیم که هیچ رخداد فرهنگی، در لحظه اتفاق نمی افتد و حتما عقبه ای دارد، متوجه خواهیم شد که بحث فضای مجازی و حقیقی در دنیای هنر قرن هاست که در جریان است. اتفاقا همزمان با رویدادهای کشور، جنگ مجاز و واقعیت هم در بطن جامعه اروپایی در جریان است و نمودهای فرهنگی آن هر روز در رسانه ها مطرح می شود. جنگ اخیر در اروپا و تبعات منفی آن، که این قاره را با بحران های اجتماعی روبه رو کرده، نمود عینی خود را با مسأله فرهنگی و توجه به محیط زیست نشان داده است. در ماه های اخیر، برخی کنشگران محیط زیستی، برای بیان دیدگاه های خود در برابر مسائل سیاسی اروپا، با رویکرد به آثار هنری تبعات تصمیمات سیاسی رهبران خود را نقد می کنند. آثار هنری، اولین رسانه هایی هستند که موضوع مجاز و آرایه ای از بازتابی حقیقت را به صورت عینی پیش روی مخاطبان قرار داده اند. برهان های پیرامون آثار هنری از منظر افلاطونی و ارسطویی قرن هاست که این موضوع را مورد واکاوی قرار دادند. حال کنشگران محیط زیستی با تکیه بر چنین نظریه هایی تلاش دارند

بوتیجلی چسباندند و بنری را باز کردند که روی آن نوشته شده بود: «نسل نهایی بدون گاز، بدون زغال سنگ». بیشتر هم این گروه به نشانه اعتراض، خود را به کبی نقاشی «شام آخر» و همچنین تابلوی نقاشی «گاری علوفه» اثر جان کانستبل، چسباندند. این معترضان که متعلق به گروه فعالان آب و هوایی Ultima Generazione بودند، اعلام کردند این فصل جدید اقدامات آنهاست که موزه های هنری را هدف گرفته است. این گروه فعال محیط زیستی که تلاش دارد آسیب جدی به آثار هنری وارد نشود، آثاری را انتخاب می کند که با موضوع اعتراضی آنها مرتبط باشد. به عنوان مثال، تابلوی بهار ساندرو بوتیجلی که یکی از مشهورترین نقاشی های جهان با موضوع طبیعت است منتقدان هنری آن را به عنوان «جشن عشق، صلح و سعادت» توصیف می کنند. آنها در بیانیه اعتراضی خود اعلام کرد: «آیا امروز نیز می توان بهاری به چنین زیبایی دید؟ آتش سوزی، بحران غذایی و خشکسالی این اتفاق را به طور فزاینده ای دشوار می کند. ما تصمیم گرفتیم از هنر برای به صدا درآوردن زنگ خطر استفاده کنیم، چرا که به سمت فروپاشی اجتماعی و اقلیمی پیش می رویم. همان طور که از میراث هنری خود دفاع می کنیم، باید خود را وقف مراقبت و حفاظت از سیاره ای کنیم که باید با بقیه جهان به اشتراک بگذاریم.» گروه «نسل آخر» همچنین اعلام کرد دیباکارشناسان مرمت آثار هنری مشورت کرده اند تا راهی برای چسباندن خود به نقاشی ها بیابند که بدون آسیب رساندن به این آثار باشند. اما شروع این اقدامات از کارزار اعتراضی «نفت را متوقف کنید» در بریتانیا شکل گرفت و پیش از این یک گروه فعال در انگلیس به اقدامات مشابهی در گالری ملی لندن، گالری و موزه هنری گلاسگو، گالری هنر منچستر و آکادمی رویال دست زدند. به عنوان مثال، دو جوان معترض در گالری ملی لندن با سس گوجه فرنگی به تابلوی معروف گل های آفتابگردان اثر ونسان ون گوگ حمله کردند و پس از آن دست های خود را به دیواره پایین تابلوی نقاشی چسباندند. آنها هدف از این اقدام خود را فشار آوردن به دولت بریتانیا برای اقدام سریع تر جهت مبارزه با آثار تغییرات آب و هوایی توصیف کردند. در این اتفاق هم آسیبی به تابلوی ون گوگ نرسید. این اقدامات که حالا ابعادش از اروپا نیز خارج شده و تا آمریکای شمالی و استرالیا نیز گسترش یافته، خشم سیاستمداران را به همراه داشته تا این گروه را به عدم درک اثرات مخرب بالقوه اقدامات اعتراضی خود متهم کنند. گروه فعال محیط زیست «نسل آخر» طی بیانیه ای درباره این اقدامات اعتراضی اعلام کرد: «ما تصمیم گرفتیم از هنر برای به صدا درآوردن زنگ خطر استفاده کنیم، چرا که به سمت فروپاشی اجتماعی و اقلیمی پیش می رویم.»